

مثل برزگر

¹ و در همان روز، عیسی از خانه بیرون آمده، به کناره دریا نشست.² و گروهی بسیار بر وی جمع آمدند، بقسمی که او به کشتی سوار شده، قرار گرفت و تمامی آن گروه بر ساحل ایستادند؛³ و معانی بسیار به مثلها برای ایشان گفت: وقتی برزگری بجهت پاشیدن تخم بیرون شد.⁴ و چون تخم می‌پاشید، قدری در راه افتاد و مُرغان آمده، آن را خوردند.⁵ و بعضی بر سنگلاخ جایی که خاک زیاد نداشت افتاده، بزودی سبز شد، چونکه زمین عمق نداشت،⁶ و چون آفتاب برآمد بسوخت و چون ریشه نداشت خشکید.⁷ و بعضی در میان خارها ریخته شد و خارها نمو کرده، آن را خفه نمود.⁸ و برخی در زمین نیکو کاشته شده، بار آورد، بعضی صد و بعضی شصت و بعضی سی.⁹ هر که گوش شنوا دارد بشنود.

¹⁰ آنگاه شاگردانش آمده، به وی گفتند: از چه جهت با اینها به مثلها سخن می‌رانی؟¹¹ در جواب ایشان گفت: دانستن اسرار ملکوت آسمان به شما عطا شده است، لیکن بدیشان عطا نشده،¹² زیرا هر که دارد بدو داده شود و افزونی یابد. اما کسی که ندارد آنچه دارد هم از او گرفته خواهد شد.¹³ از این جهت با اینها به مثلها سخمی گویم که نگرانند و نمی‌بینند و شنوا هستند و نمی‌شنوند و نمی‌فهمند.¹⁴ و در حق ایشان نبوت اشعیا تمام می‌شود که می‌گوید: به سمع خواهید شنید و نخواهید فهمید و نظر کرده، خواهید نگریست و نخواهید دید.¹⁵ زیرا قلب این قوم سنگین شده و به گوشها به سنگینی شنیده‌اند و چشمان خود را بر هم نهاده‌اند، مبدا به چشمها ببیند و به گوشها بشنوند و به دلها بفهمند و بازگشت کنند و من ایشان را شفا دهم.¹⁶ لیکن خوشبختان چشمان شما زیرا که می‌بینند و گوشهای شما زیرا که می‌شنوند زیرا هرآینه به شما می‌گویم: بسا انبیا و عادلان خواستند که آنچه شما می‌بینید، ببینند و ندیدند و آنچه می‌شنوید، بشنوند و نشنیدند.

¹⁸ پس شما مثل برزگر را بشنوید: کسی که کلمه ملکوت را شنیده، آن را نفهمید، شریر می‌آید و آنچه در دل او کاشته شده است می‌رباید، همان است آنکه در راه کاشته شده است.²⁰ و آنکه بر سنگلاخ ریخته شد،

اوست که کلام را شنیده، فی‌الوقت به خشنودی قبول می‌کند،²¹ و لکن ریشه‌ای در خود ندارد، بلکه فانی است و هرگاه سختی یا صدمه‌ای به سبب کلام بر او وارد آید، در ساعت لغزش می‌خورد.²² و آنکه در میان خارها ریخته شد، آن است که کلام را بشنود و اندیشه این جهان و غرور دولت، کلام را خفه کند و بی‌ثمر گردد.²³ و آنکه در زمین نیکو کاشته شد، آن است که کلام را شنیده، آن را می‌فهمد و بارآور شده، بعضی صد و بعضی شصت و بعضی سی ثمر می‌آورد.

مثل کرکاس ها در میان گندم

²⁴ و مثلی دیگر بجهت ایشان آورده، گفت: ملکوت آسمان مردی را ماند که تخم نیکو در زمین خود کاشت،²⁵ و چون مردم در خواب بودند دشمنش آمده، در میان گندم کرکاس ریخته برفت.²⁶ و وقتی که گندم روید و خوشه برآورد، کرکاس نیز ظاهر شد.²⁷ پس نوکران صاحب خانه آمده، به وی عرض کردند: ای آقا، مگر تخم نیکو در زمین خویش نکاشته‌ای؟ پس از کجا کرکاس بهم رسانید؟²⁸ ایشان را فرمود: این کار دشمن است. عرض کردند: آیا می‌خواهی برویم آنها را جمع کنیم؟²⁹ فرمود: نه، مبدا وقت جمع کردن کرکاس، گندم را با آنها بَرکنید.³⁰ بگذارید که هر دو تا وقت حصاد با هم نمو کنند و در موسم حصاد، دروگران را خواهم گفت که: اوّل کرکاسها را جمع کرده، آنها را برای سوختن بافه‌ها ببندید اما گندم را در انبار من ذخیره کنید.

مثل دانه خردل و خمیرمایه

³¹ بار دیگر مثلی برای ایشان زده، گفت: ملکوت آسمان مثل دانه خردلی است که شخصی گرفته، در مزرعه خویش کاشت.³² و هرچند از سایر دانه‌ها کوچکتر است، ولی چون نمو کند بزرگترین بقول است و درختی می‌شود چنانکه مرغان هوا آمده در شاخه‌هایش آشیانه‌می‌گیرند.

³³ و مثلی دیگر برای ایشان گفت: که ملکوت آسمان خمیرمایه‌ای را ماند که زنی آن را گرفته، در سه کیل خمیر پنهان کرد تا تمام، مخمر گشت.³⁴ همه این معانی را عیسی با آن گروه به مثلها گفت و بدون مثل بدیشان هیچ نگفت،³⁵ تا تمام گردد کلامی که به زبان

نبی گفته شد: دهان خود را به مثلها باز می‌کنم و به چیزهای مخفی شده از بنای عالم تَتَلَقّ خواهم کرد.

تفسیر مَثَلِ کرکاس ها در میان گندم

³⁶ آنگاه عیسی آن گروه را مَرَّص کرده، داخل خانه گشت و شاگردانش نزد وی آمده، گفتند: مَثَلِ کرکاسِ مزرعه را بجهت ما شرح فرما. ³⁷ در جواب ایشان گفت: آنکه بذر نیکو می‌کارد پسر انسان است، ³⁸ و مزرعه این جهان است، و تخم نیکو اینای ملکوت و کرکاسها پسران شریرند. ³⁹ و دشمنی که آنها را کاشت ابلیس است، و موسم حصاد عاقبت این عالم و دروندگان فرشتگانند. ⁴⁰ پس همچنان که کرکاسها را جمع کرده، در آتش می‌سوزانند، همانطور در عاقبت این عالم خواهد شد، ⁴¹ که پسر انسان ملائکه خود را فرستاده، همه لغزش‌دهندگان و بدکاران را جمع خواهند کرد، ⁴² و ایشان را به تنور آتش خواهند انداخت، جایی که گریه و فشار دندان بُود. ⁴³ آنگاه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب، درخشان خواهند شد. هر که گوش شنوا دارد بشنود.

مثل گنج و مروارید و تور ماهیگیری

⁴⁴ و ملکوت آسمان گنجی را ماند، مخفی شده در زمین که شخصی آن را یافته، پنهان نمود و از خوشی آن رفته، آنچه داشت فروخت و آن زمین را خرید. ⁴⁵ باز ملکوت آسمان تاجری را ماند که جوای مرواریده‌ای خوب باشد، ⁴⁶ و چون یک مروارید گرانبها یافت، رفت و مایملک خود را فروخته، آن را خرید.

⁴⁷ ایضاً ملکوت آسمان مثل تور ماهیگیری است که به دریا افکنده شود و از هر جنسی به آن درآید، ⁴⁸ و چون پُر شود، به کناره‌اش کِشند و نشسته، خوبها را در ظروف جمع کنند و بده را دور اندازند. ⁴⁹ بدینطور در آخر این عالم خواهد شد: فرشتگان بیرون آمده، طالحین را از میان صالحین جدا کرده، ⁵⁰ ایشان را در تنور آتش خواهند انداخت، جایی که گریه و فشار دندان می‌باشد.

⁵¹ عیسی ایشان را گفت: آیا همه این امور را فهمیده‌اید؟ گفتندش: بلی، خداوندا. ⁵² به ایشان گفت، بنابراین، هر کاتبی که در ملکوت آسمان تعلیم یافته است، مثل صاحب خانه‌ای است که از خزانه خویش چیزهای نو و کهنه بیرون می‌آورد.

ناصره عیسی را نمی‌پذیرد

⁵³ و چون عیسی این مثلها را به اتمام رسانید، از آن موضع روانه شد. ⁵⁴ و چون به وطن خویش آمد، ایشان را در کنیسه ایشان تعلیم داد، بقسمی که متعجب شده، گفتند: از کجا این شخص چنین حکمت و معجزات را بهم رسانید؟ ⁵⁵ آیا این پسر نجار نمی‌باشد؟ و آیا مادرش مریم نامی نیست؟ و برادرانش یعقوب و یوسف و شمعون و یهوذا؟ ⁵⁶ و همه خواهرانش نزد ما نمی‌باشند؟ پس این همه را از کجا بهم رسانید؟ ⁵⁷ و درباره او لغزش خوردند. لیکن عیسی بدیشان گفت: نبی بی‌حرمت نباشد مگر در وطن و خانه خویش. ⁵⁸ و به سبب بی‌ایمانی ایشان معجزه بسیار در آنجا ظاهر نساخت.